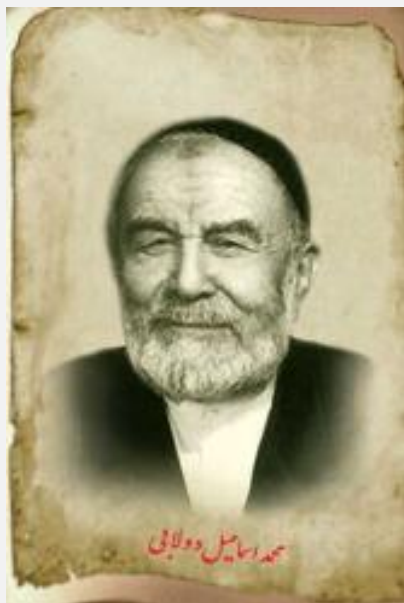


محمد اسماعیل دولابی

پدر بزرگوارش معتمد محل و منزلشان همواره میزبان علما و برجستگان بود. در جوانی به شغل کشاورزی اشتغال داشت

...

**ولادت:؟**

محل ولادت : تهران

وفات : 1424ق.

محل دفن: قم

استاد عرفان : محمد جواد انصاری همدانی

پدر بزرگوارش معتمد محل و منزلشان همواره میزبان علما و برجستگان بود. در جوانی به شغل کشاورزی اشتغال داشت و از همان ابتدا آثار لطف و عنایت حق به ایشان نمایان بود. جذبه محبت اهل بیت (ع) همواره دلیل و راهنمای او بود و این محب صادق را با مشاهده مشرفه و مجالس خاندان عصمت و طهارت (ع) مانوس ساخته بود.

عشق و ارادت خاصی به حضرت سید الشهداء علیه السلام داشت . از خودشان نقل است ؛ یک بار بعد از گریه کردن بسیار بر امام حسین علیه السلام آمدم ایوان جلو اتاق دراز کشیدم ناگهان دیدم ملائکه فوج فوج از آسمان می آیند و داخل سینه من طواف می کنند و بر می گردند! سالیان متمادی مجالس او محفل انس و محبت و مورد توجه و اقبال عموم تشنگان معنویت و اخلاق بود. او با زبانی ساده و شیوا مطالب عرفانی و اخلاقی را بیان می کرد.

از کلمات گهربار و دلنشین ایشان است که می فرمود: امیدوارم نهج البلاغه را قبل از هر کتاب دیگر بخوانید. اگر دیدی کسی عالم و نابغه شد، علی علیه السلام یک تلنگر به قلبش زده است . کلام امیر المومنین علیه السلام قوت کمر شیعیان است . کمر انسان را قرص و محکم می کند.

کسانی که در محفل این پیر فرزانه حاضر می شدند . گویی گمشده خود را در این جلسات هفتگی می یافتند. چنان محبت اهل بیت (ع) را در دل ها به جوش می آورد که به محض بردن نام حضرت سیدالشهدا علیه السلام ناله ها بلند می شد و وقتی اشاره ای به وجود مقدس حضرت حجت (عج) می کرد، اشک ها سرازیر می شد. می فرمود: غم یعنی انتظار ، یعنی کیست که مرا بخنداند ؟ غمی که در سر و نهان انسان است و آن را به مردم نشان نمی دهد عبادت می کند ، نماز می خواند ، مثل مردم لیخند می زند تا اذیت نشوند هر جا گریه می کنند او هم گریه می کند اما آن غم علاج نمی شود . آن غم ظهور حضرت ولی عصر (عج) را می خواهد ، جمال امامش و ملاقات وجه الله را می خواهد . آن وقت مثل گل باز می شود.